

## تحلیل شناختی مسئله خیر و شر از منظر قرآن کریم

فاطمه میرزایی<sup>۱</sup> - سیده شیرین حجازی<sup>۲</sup>

### چکیده

اعتقاد به خیر بودن زندگی بدون رنج و اینکه بیماری، سختی و حوادث شری اجتناب ناپذیر است که دامن انسان را در دنیا می‌گیرد، نمونه‌ای از باورهای بیشتر مردم است؛ باوری که قضاوت و بینش فرد را نسبت به جهان پیرامون خود دچار مشکل می‌کند. علم روان‌شناسی شناختی، قضاوت‌ها و رفتارهای نادرست را ناشی از شکل‌گیری طرح‌واره‌های نادرست در ذهن انسان می‌داند. هر طرح‌واره دارای ساختار معینی (مؤلفه‌ها) است که با ویژگی‌های ملازم خود به مفهومی قابل درک تبدیل می‌شود. تعیین مؤلفه‌های خیر و شر بر مبنای معنای لغوی و اصطلاحی آن‌ها و سپس بررسی ویژگی‌های این طرح‌واره‌ها از دیدگاه قرآن کریم، نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های قرآن از مفاهیم خیر و شر با طرح‌واره‌هایی که در ذهن و باور مردم نسبت به این مفاهیم ایجاد شده، متفاوت است. مسیری که قرآن کریم از طرح‌واره‌های خیر و شر برای انسان ترسیم کرده، بر مبنای درک یا عدم درک ربوبیت خداوند در جهان و به‌ویژه در زندگی است. تفکر و درک بر مبنای طرح‌واره‌های قرآنی در حوزه مفاهیم خیر و شر، سبب می‌شود که انسان به‌جای تحصیل دانش در موضوع نظام احسن، خود، احسنیت این نظام را دریابد.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن، پژوهشگر حوزه معرفت دینی مؤسسه همگامان با ولایت

sude1432@gmail.com

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو گروه پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث دانشگاه

sshhejazi@gmail.com

الزهر (نویسنده مسئول).

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره‌های قرآن، مفاهیم خیر و شر، طرح‌واره نادرست، مؤلفه‌های طرح‌واره، روان‌شناسی شناختی.

## ۱. مقدمه

یکی از پرسش‌های تاریخی‌ای که شاید به اندازه تاریخ بشر بر روی کره زمین قدمت داشته باشد، چرایی وجود شر در هستی است؛ به گونه‌ای که مسئله شر به عنوان استدلالی علیه وجود خدا برای ملحدان و چالشی بحث‌انگیز میان مردم دین‌دار مطرح بوده است که اگر خداوند خالق خوبی‌ها و زیبایی‌ها بوده و احسن‌الخالقین است، رنج‌ها، سختی‌ها و بلاها چه جایگاهی در نظام احسن دارند. چرایی وجود این رنج‌ها به ویژه در نگاه دینی، با پذیرش خدایی خیرخواه و عادل، به چنان مسئله‌ای بحث‌انگیز تبدیل شده که از متکلمان و عارفان گرفته تا فیلسوفان الهی با آن مواجه شده‌اند.

درد و رنج‌های زندگی همیشه مسئله‌ای بوده که با طبع آسایش‌طلبی انسان در تضاد است؛ بنابراین انسان سختی و رنج را نوعی شر در زندگی خود به حساب می‌آورد. جهان بینی‌ای که به اشتباه در اندیشه مردم شکل گرفته و به صورت یک فرهنگ در سبک زندگی آن‌ها جا باز کرده، این است که رنج و سختی شراست و زندگی در کمال آسایش و بدون درد، خیر؛ از این رو مردم، وقوع رنج، سختی و بیماری را با نظام هستی احسن‌الخالقین در تضاد می‌پندارند. در حالتی خوش‌بینانه‌تر، نگاه برخی مردم به اموری مثل رنج و سختی، پاسخی مجازات‌گونه از سوی خدا بوده است؛ به این صورت که وجود شر را امری از سوی خدا و برای عذاب انسان دانسته‌اند.

اندیشمندان مسلمان درباره مسئله خیر و شر مباحث گسترده‌ای داشته و دارند. آنان دلایل عقلی و فلسفی کارآمدی در تبیین این دو مفهوم ارائه داده‌اند که می‌تواند اهل علم و دانش را قانع کند. اما به نظر می‌رسد که تخصصی و ثقیل بودن این مباحث، سبب شده که مردم از فهم دقیق مبحث خیر و شر دور افتاده و با نگاهی عامیانه، در تشخیص مصادیق خیر و شر به بیراهه رفته باشند.

معنای لغوی و اصطلاحی خیر و شر نیز در تطبیق اشتباه این مفاهیم با رویدادهای زندگی بی تأثیر نبوده است. بر مبنای معنای لغوی، خیر چیزی است که انسان به آن میل دارد و آن را انتخاب می کند و شر چیزی که انسان از آن کراهت دارد؛ بنابراین عموم مردم که به راحتی و زندگی بدون سختی میل دارند، این گونه زندگی را خیر پنداشته و در مقابل، رنج و سختی زندگی را به عنوان شر پذیرفته اند.

روان شناسی شناختی یکی از شاخه های علوم شناختی است که به مطالعه ماهیت فعالیت های ذهنی مثل تفکر، داوری، قضاوت و تصمیم گیری می پردازد و مؤلفه های مؤثر در بروز این پدیده ها را مطالعه می کند. همچنین، روان شناسی شناختی درباره شکل گیری باورهای انسان عقیده دارد که سیستم باورهای هسته ای افراد به وسیله عناصر مختلفی مانند: رشد، تربیت و فرهنگ تحت تأثیر قرار می گیرد و این به شکل گیری طرح واره های شناختی در افراد می انجامد؛ طرح واره هایی که مقوله های شناخت و اطلاعات فردی را سازمان دهی کرده و ارتباطات بین شناخت های مختلف را در نواحی مغز برقرار می سازد. این طرح واره ها هویت شخص را تشکیل داده و شخص بر مبنای آن ها می اندیشد و می فهمد.

بر این اساس می توان گفت که فهم و اندیشه انسان نسبت به مسئله خیر و شر بر مبنای محیط رشد و فرهنگی که در آن قرار دارد، شکل می گیرد و طرح واره های شکل گرفته از تجربیات دوران کودکی و محیط رشد او نسبت به مفهوم خیر و شر، مصادیق این دو مفهوم را در طول زندگی انسان تعیین می کند. شکل گیری طرح واره های نادرست در ذهن بر مبنای فرهنگ نادرست، سبب می شود که برخی از انواع شر در لباس خیر ظاهر شده<sup>۱</sup> و در واقع انسان چیزی را دوست داشته باشد که شر است.<sup>۲</sup>

۱. «وَلَا يَخْتَسِبُ الَّذِينَ يَبْتَخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ (آل عمران / ۱۸۰).

۲. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ

همچنین می‌توان گفت که زندگی بر مبنای فرهنگ قرآن سبب شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی صحیح و درست از مفاهیم خیر و شر در ذهن شده و در نتیجه انسان می‌تواند بر مبنای این طرح‌واره‌های قرآنی بیندیشد و دربارهٔ جهان هستی و رویدادهای آن قضاوت کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

از سال هشتاد تا کنون پژوهش‌های فراوانی با کاربرد علوم زبان‌شناسی شناختی در مطالعات قرآن صورت گرفته است. بررسی طرح‌واره‌های تصویری متن قرآن یکی از این نوع پژوهش‌هاست؛ مانند:

- «بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در قرآن کریم»، فاطمه دریس و دیگران، ۱۳۹۷.

- «بررسی طرح‌واره‌های تصویری "عذاب" در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی»، مهدی عابدی، ۱۳۹۷.

- «طرح‌واره‌های تصویری در حوزهٔ سفرزندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن»، مرتضی قائمی، ۱۳۹۵.

- مقالات یادشده و دیگر پژوهش‌هایی که در زمینهٔ موضوع طرح‌واره در قرآن کریم صورت گرفته، مبنای زبان‌شناسی شناختی دارد؛ در صورتی که مبنای مقاله حاضر روان‌شناسی شناختی است.

- همچنین پژوهش‌های فراوانی در زمینهٔ مسئلهٔ خیر و شر صورت گرفته است؛ از جمله:

- «بررسی رویکرد کلی به مسئلهٔ شر در نگاه فلاسفهٔ مشهور»، مجتبی ارشدی بهادر، ۱۴۰۰.

- «بررسی راه حل های ملاصدرا و پلانتینگا در حل مسئله شر با تکیه بر آیات و روایات»، عیسی محمدی نیا، ۱۳۹۷.
- «جلوه های خیر و شر اخلاقی در آیات قرآن کریم»، حسن سراج زاده، ۱۴۰۰.
- آنچه مقاله حاضر را از پژوهش های صورت گرفته متمایز می کند، این است:
- بررسی مسئله خیر و شر بر مبنای یک روش علمی نوین و کارآمد (علوم شناختی)؛
- بررسی مسئله خیر و شر به طور هم زمان و در مقایسه با هم؛
- تحلیل شناختی آیات در حوزه خیر و شر و نه تحلیل خیر و شر بر مبنای آیات؛
- طرح مباحث کاربردی و آمیخته با رویدادهای زندگی و دغدغه های انسان؛
- بیان مصادیق خیر و شر از دیدگاه آیات قرآن کریم.
- در این مقاله، برای درک و دریافت اندیشه ای صحیح درباره مسئله خیر و شر و تبیین مصداق های این دو مفهوم از نگاه توحیدی، با رجوع به قرآن کریم و با کمک ابزار علوم شناختی به سؤالات زیر پاسخ داده می شود:
- مؤلفه های طرح واره خیر و شر کدام اند؟
- ویژگی هایی که فرهنگ قرآن کریم برای طرح واره های خیر و شریبان می کند، چیست؟
- قرآن کریم به عنوان کلام الهی و کتاب راهنمای زندگی معنوی چه مسیری را برای شکل گیری طرح واره های خیر و شر ترسیم می کند؟

### ۳. مباحث نظری

در این بخش از مقاله، نخست به تبیین دیدگاه اندیشمندان مسلمان در حوزه مفاهیم خیر و شر پرداخته می شود تا از این طریق مشخص شود که تاکنون چه اطلاعاتی درباره این مسئله در دست است و با توجه به این اطلاعات چه مطالب جدیدی را می توان مطرح کرد. سپس در قسمت دوم مباحث نظری درباره چیستی طرح واره ها و چگونگی شکل گیری آن ها در ذهن انسان از دیدگاه علوم شناختی، بحث خواهد شد تا بتوان به کمک این علوم، تبیینی جدید از مفاهیم خیر و شر در قرآن کریم به دست آورد.

### ۳-۱. دیدگاه اندیشمندان مسلمان در حوزه خیر و شر

فیلسوفان مسلمان در مباحث فراوانی کوشیده‌اند تا جایگاه حقیقی خیر و شر را در عالم تبیین کرده نحوه انتساب خیر و شر را به خداوند نشان دهند و جایگاه مقبول و معقولی برای این مفاهیم تعیین کنند.

فارابی به عنوان اولین کسی که در میان فلاسفه مسلمان به مسئله خیر و شر پرداخته است، خیر مطلق را سعادت و شر مطلق را شقاوت مناسب هر مخلوق دانسته و هر چیزی را که در رسیدن به سعادت و شقاوت هر مخلوقی مؤثر باشد، خیر و شر نسبی به شمار می‌آورد (فارابی، ۱۴۰۸: ۸۰-۸۱). منشأ شر از نظر فارابی، صرفاً امری انسانی و ناشی از اراده انسان است (همان، ۸۱)؛ چنانچه انسان با اراده خود از خیر که شامل لوازم مؤثر در سعادت است، فاصله بگیرد، سبب شر در زندگی خود می‌شود. همچنین فارابی عوامل دیگری مانند: آفات و بلاهای طبیعی را که عموماً از دیدگاه مردم جزء شرور قرار می‌گیرد، لازمه عالم ماده می‌داند، نه لازمه فاعلیت قادر حکیم و بدین سان حوادث را در گروه شرور قرار نمی‌دهد (همان، ۴۶).

از دیدگاه ابن سینا، واجب الوجود خیر محض است و از آنجا که همه اشیا از لوازم واجب الوجود است و اشیا به وجود او موجودند، خیر هستند؛ زیرا هر چه از واجب صدور یابد، خیر است (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۱۸۹-۱۹۱) و در مقابل، شر به عالم ماده، در مقایسه با کل نظام هستی، اختصاص دارد. در عالم ماده نیز خیر غالب است و تنها بخش اندکی از آن مختص شرور است. وجود شرور اندک و نسبی، از تبعات عالم ماده و از لوازمات خیرات کثیر است (ابن سینا، ۱۳۷۶: ۴۱۹-۴۲۰). ابن سینا شرور را به دو دسته تقسیم می‌کند: شرور وجودی و شرور عدمی. شرور عدمی به طور مطلق و بالذات شرند؛ مانند: جهل، ناتوانی و ... چراکه هیچ جهت وجودی‌ای در آن‌ها راه ندارد تا از آن جهت با خیر نسبتی داشته باشند (همان، ۱۸۵). شرور وجودی شامل امور موجودی هستند که ممکن است شامل شر نسبی و بالعرض باشند؛ مانند: حرارت که امر وجودی است و بالذاته شر نیست؛ بلکه بالذات خیر است و در مقایسه با شیئی دیگر شر به شمار می‌آید (همان،

۴۱۵). از دیدگاه ابن سینا در نظام احسن شری وجود ندارد؛ چراکه خیرات و شرور پدیده‌ها در نظام احسن به صورت مجموع مورد نظر است.

سهروردی مانند ابن سینا واجب الوجود را خیر محض و هرچه را نیز که از او موجود می‌شود، خیر می‌داند. او همچنین شر را عدم چیزی یا عدم کمال چیزی به شمار می‌آورد (سهروردی، ۱۳۸۰: ۳/ ۶۱-۶۲). شرّ از آن رو که عدم است، به فاعل منسوب نیست، الاّ به عرض؛ پس به فاعل محتاج نیست (همان، ۱۶۵). سهروردی می‌کوشد با طرح نظام کلی که کامل تر از آن ممکن نیست؛ مانند ابن سینا شرور طبیعت را جزئی دانسته و آن را در قیاس با نظام جهان از جرگه شر خارج کند. همچنین از دیدگاه او این شرّ اندک نیز با خیر کثیر ملازمه دارد (همان، ۴/ ۷۸). او در نفی دو موجود و دو مبدأ، شر را امری نسبی می‌داند؛ چنان‌که در مقایسه با نظام کلی، شری نخواهد بود (همان، ۴۶۶-۴۶۷)؛ برای نمونه اگرچه آفرینش آتش نفع است، در قرار گرفتن با لباس یا خانه‌ای که سبب حریق شود، شربه شمار می‌آید. همچنین وجود حیوانات فی نفسه خیر است؛ اما ممکن است نسبت به انسان یا مخلوق دیگری شربه شمار آید. بنابراین شرّ مطلق وجود ندارد؛ بلکه شر، نسبی است (همان، ۱/ ۷۸).

آنچه ملاصدرا بر نظرات ابن سینا و سهروردی افزود، این بود که هرگونه نقص وجودی شرّ است و هر وجودی به اندازه نقصان وجودی اش به شرّ آمیخته است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۹: ۷/ ۵۸). فیض الهی از نقایص و کاستی‌ها منزّه است و شربه ماهیت اشیا برمی‌گردد (همان، ۲/ ۳۵۰).

خیر از سوی خدای سبحان به صورت مساوی نازل می‌شود و همگان بالقوه در معرض انوار حیات بخش رحمت و اسعۀ او قرار می‌گیرند؛ این امر مبنایی برای خیر بودن وجود است. اختلاف موجودات در برخورداری از خیرات الهی به ظرفیت و قابلیت آن‌ها بستگی دارد (همان، ۲/ ۱۴۱).

ملاصدرا نیز با این مسئله که شرور لازمه خیرات کثیری است که جز با شرّ قلیل امکان ندارند، موافق است و چنین می‌گوید که خیرات، بالذات در حیطة قدرت خداوند قرار

دارند و شرور نیز که لازمهٔ خیرات اند، به تبع و بالعرض خیرات، در حیطةٔ قدرت خداوند داخل هستند (همان، ۳۷۲/۷). اگر نگاه انسان به هستی از نوع نگرش کلی باشد، نظام هستی سراسر خیر است و تضاد حاصل در این عالم نسبت به نظام کلی، خیر و نسبت به اشخاص جزئی، شر است (همان، ۷۷/۷).

علامه طباطبایی عدمی بودن شر را مانند فلاسفهٔ یادشده با بیان قیودی می‌پذیرد. از دیدگاه او شرور موجود در عالم به علت ارتباط و پیوند با دیگر حوادث جهان هستی، عدم مطلق نیستند و بهره‌ای از وجود دارند. علامه، شر را فقدان، محرومیت، سلب و عدم نسبی خیر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳/۱۳۴). از دیدگاه ایشان، شرور طبیعی مثل زلزله و سیل از نظر فقدان موافقت، شر به شمار می‌آیند؛ مانند مار و عقرب که به علت آسیبی که به انسان وارد می‌کنند، شر محسوب می‌شوند (همان).

### ۲-۳. طرح‌واره‌ها

در چند دههٔ گذشته، علوم شناختی تمرکز اصلی خود را بر مطالعهٔ ذهن قرار داده و در تحقیقات خود به دنبال ماهیت دانش ذهنی، نحوهٔ فراگیری و چگونگی بازنمایی این دانش در صحنه بوده است. آنچه این علوم در مطالعات مورد توجه قرار داده‌اند، اهمیت معنا و ساخت آن است که در نتیجهٔ این امر، زبان و فرهنگ به عنوان نظام‌های تحلیلی شناختی رفتارهایی در نظر گرفته می‌شود که با معنا سروکار دارند و در خلق و انتقال آن سهم‌مند.

طرح‌واره‌ها، ژرف‌ترین ساختارهای شناختی در تولید معنا هستند. طرح‌واره‌ها به طور کلی به معنای ساختار، قالب یا چارچوب تعریف می‌شوند. همچنین، طرح‌واره‌ها توصیف‌کنندهٔ الگوهایی از تفکر، رفتار، تعامل و ارتباط انسانی‌اند که مقوله‌های شناخت و اطلاعات فردی را سازمان‌دهی کرده و ارتباطات بین شناخت‌های مختلف را در نواحی مغز برقرار می‌سازند. طرح‌واره‌ها پدیده‌هایی هستند که فهم انسان برای توصیف معنا و استدلال به آن‌ها نیازمند است (Johnson, 1987: 10). هر طرح‌واره الگویی پویا و تکراری



از برهم کنش های حسی و برنامه های حرکتی ماست که به تجربه ما انسجام و ساختار می بخشد (همان، ۱۵).

طرح‌واره‌ها در رویارویی با محرک‌های جدید بر پایه ساختار پیشین خود، اطلاعات به دست آمده را رمزگشایی و ارزیابی می‌کنند و به این ترتیب بر نگرش افراد نسبت به خود و جهان پیرامون تأثیر می‌گذارند؛ به گونه‌ای که طرح‌واره‌ها و شناخت‌ها مبنای پردازش اطلاعات و ارتباطات انسانی به شمار می‌آیند. سیستم باورهای هسته‌ای افراد به وسیله عناصر بسیاری می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد؛ برای مثال می‌توان به جنبه‌های رشدی و فرهنگی‌ای اشاره کرد که در بیشتر موارد، باورهای فرهنگی و اجتماعی به شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی می‌انجامد که قوی‌ترین تأثیر را در نوع ادراکات فرد دارد (James, 2001: 401-407). بنابراین، طرح‌واره‌ها باورهای ارزیابی‌گرایانه‌ای درباره خود و محیط اطراف را شامل می‌شوند که ممکن است نتیجه این ارزیابی‌ها خلاف حقیقت باشد.

یانگ، آن دسته از طرح‌واره‌هایی را که به رشد و شکل‌گیری مشکلات روان‌شناختی می‌انجامد، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌نامد. این طرح‌واره‌ها الگوهای شناختی و هیجانی آسیب‌رسانی هستند که در جریان اولیه رشد آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابند (Young, J. E et al, 2003: 254).

در بافت روان‌شناسی و روان‌درمانی، طرح‌واره‌ها به طور کلی به عنوان یک اصل سازمان‌بخش کلی در نظر گرفته می‌شوند که برای درک تجارب زندگی فرد ضروری‌اند. طرح‌واره‌ها، مفروضه‌ها یا قوانینی زیربنایی هستند که افکار و رفتارهای فرد را کنترل کرده و در طول سال‌های زندگی فرد تحول یافته‌اند. محتوای طرح‌واره‌ها همه جنبه‌های زندگی فرد، اعم از آگاهانه یا ناآگاهانه را دربرمی‌گیرد. در عین حال، طرح‌واره‌ها تحت تأثیر فرهنگ، خانواده، مذهب و عوامل مربوط به شخصیت فرد قرار دارند. درحقیقت طرح‌واره‌ها ذخیره می‌شوند تا در شرایط خاص فعال شوند. طرح‌واره‌ها موجب سوگیری در تفسیر فرد از رویدادها شده و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهم، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌زنی‌های نادرست، هدف و چشمداشت‌های

غیرواقع بینانه مشخص می شود (یوسفی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۸).

طرح‌واره‌ها می‌توانند باورها و ساختارهایی ایجاد کنند که نسبت به تغییر، مقاوم باشند. آن‌ها همچنین می‌توانند نحوه «تفسیر اطلاعات» ورودی به ذهن را تغییر دهند. در واقع، افراد هنگام یادگیری اطلاعات جدیدی که با طرح‌واره‌های موجود هماهنگ نیست، گاهی اطلاعات جدید را تحریف یا تغییر می‌دهند تا با آنچه از پیش می‌دانسته‌اند، متناسب شود. تغییر طرح‌واره‌ها نیز می‌تواند بسیار دشوار باشد؛ مردم در بیشتر موارد، حتی در مواجهه با اطلاعات متناقض، به طرح‌های موجود خود می‌چسبند (Young, J. E et al, 2003: 260).

طرح‌واره‌ها دارای تعدادی اجزا یا مؤلفه‌اند که با ساختاری معین و روابطی مشخص با یکدیگر ارتباط دارند. بنابراین، هرگاه طرح‌واره‌ای در تعدادی تجربه یا تصویر متفاوت تحقق پیدا کند، این اجزا و روابط در هر کدام از آن‌ها تکرار می‌شود (Johnson, 1987: 145). طرح‌واره پیش‌نمونه یا طرح‌واره پایه دارای ساده‌ترین نوع از این اجزا یا مؤلفه‌هاست. جانسون برای تبیین طرح‌واره پیش‌نمونه، طرح‌واره توازن را مثال می‌زند که طرح‌واره پیش‌نمونه توازن را می‌توان با یک محور و بردارهای نیرو بازنمایی کرد و دیگر طرح‌واره‌های توازن، تغییرات یا اصلاحات این طرح‌واره پیش‌نمونه‌اند (همان، ۸۵). بنابراین، توازن در ابتدایی‌ترین مفهوم خود شامل دو نیروی متقارن است که نسبت به یک محور یا یک نقطه عمل می‌کنند و هر طرح‌واره مناسب برای توازن، گونه‌ای از این طرح‌واره پیش‌نمونه خواهد بود و آنچه ظاهراً حالت‌های متفاوت توازن به نظر می‌رسد، حالت‌های خاص توازن یا تجلی‌های متفاوت توازن است. یک تک طرح‌واره تصویری در همه این تجربه‌ها حضور دارد: آرایش متقارن نیرو نسبت به یک محور (همان، ۹۷)؛ اما همه تجربه‌های متفاوت از روابط متقارن با همین تک طرح‌واره، توازن نام‌گذاری می‌شود که با ویژگی‌های متفاوت از لحاظ ساختاری به هم مربوط می‌شوند (همان، ۹۶).

وقتی ویژگی‌ها و خصوصیات محور و بردارها نسبت به هم تغییر یابد، انواع جدیدی از طرح‌واره توازن پدید می‌آید (همان، ۸۶)، بنابراین، با اعمال تغییرات در طرح‌واره پیش‌نمونه

می‌توان شکل‌های مختلفی از طرح‌واره مورد نظریه دست آورد. یادآوری این نکته لازم است که همه این طرح‌واره‌ها از لحاظ ساختاری به هم مربوط می‌شوند و دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند.

#### ۴. خیر در فرهنگ قرآن

اولین و مهم‌ترین ویژگی برای مسئله خیر این است که منشأ خیر در دست خداوند است؛<sup>۱</sup> یعنی مالکیت خیر از آن خداوند بوده و آنچه نزد خداست، خیر است.<sup>۲</sup> بنابراین، آنچه وجود و هستی دارد، خیر است؛ به این علت که خالص است و آمیخته به ناگواری‌ها نیست و باقی‌تر بودن آن برای این است که پایان نمی‌پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۹۱). جز خیر چیز دیگری نزد خداوند نیست؛ از این رو هر مرتبه‌ای از هستی که دارای خیری است، به اعتبار انتسابی است که به خداوند دارد. بر این اساس وجود انسان نیز به سبب اتصال به خیر مطلق، شری ندارد. این خیر از سوی خداوند بر بندگان نازل و ارسال می‌شود.<sup>۳</sup> خداوند اخذ نزول وحی را که متضمن معارف و شریعت است، خیر دنیا و آخرت می‌داند (همان، ۱۲ / ۲۲۷) و بدین سان مسئله نبوت خیری است که رحمت پروردگار، کلید سعادت دائمی و رستگاری جاودانه بشر است (همان، ۱۸ / ۹۸).

بنابراین جامعیت خیر، نشئت گرفته از ذات خداوند است و تقاضای جامعیت خیر، به اختیار انسان بستگی دارد و طبق آیات، زیباترین جلوه خیر در دنیا حکمت است (بقره / ۲۶۹).<sup>۴</sup> حکمت در زندگی، انسان را از جنس و اندیشه حیوانی جدا کرده و وجود او

۱. «بِيدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (آل عمران / ۲۶).

۲. «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْآبِرِينَ»؛ (آل عمران / ۱۹۸).

۳. «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»؛ (بقره / ۱۰۵)؛ «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»؛ (زخرف / ۳۲).

۴. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ (بقره / ۲۶۹).

را از سنخ ملائکه می‌گرداند؛ همچنین دریافت و شناخت آن حقیقتی است که خیر مطلق است و همهٔ امور به سوی او باز می‌گردد. حکمت آن است که انسان در هر امری دست خدا را ببینی و اینجاست که خیر بودن آن امر برای او رقم می‌خورد. خیر در مطلوبیتش یا مطلوب ممدوح است یا تام و شریف (ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۹۰). خیر تام آنجاست که وقتی به آن رسیدی، دیگر در پی چیزی نباشی؛ حالت منتظره‌ای نداشته باشی و آن وصول به حق تعالی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۳۶۰) که با حکمت و عقل تأمین می‌شود.

حکمت در زندگی در قالب ایمان، تقوا، صبر، توبه و اعمال عبادی به عنوان جلوات خیر در دنیا<sup>۱</sup> ظهور پیدا می‌کند. اعتقادات و اعمال دینی از جلوات خیر است؛ اگر خدا در این اعمال و بینش دیده شود. در واقع خیر این اعمال، آن حقیقت و ثمره‌ای است که در وراي آن‌ها نهفته است (ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۱۰۱) و این بدون تحصیل حکمت حاصل نمی‌شود.

خیر غیر تام یا خیر نافع و ممدوح همان مقدمهٔ خیر تام است (همان، ۱۵۳). دنیا و زندگی در آن بر مبنای شریعت، مقدمهٔ خیر است. از آنجا که خیر تام بدون طی مسیر دنیا و ظهور جلوات خیر در دنیا حاصل نمی‌شود، ارسطو مقصود از حیات را کسب خیر (ارسطو، ۱۳۷۸: ۳۱) و سعادت انسانی را در اكمال صفات و استعداد های انسان می‌داند (همان، ۳۴). اگر در قرآن از مال به عنوان خیر یاد می‌شود؛ یعنی که باید آن را در راه رسیدن به خیر استفاده کرد و این مقدمه‌ای است برای رسیدن به خیر مطلوب. همچنین باید نگاه به بالا باشد و امور دنیا برای رسیدن به فایدهٔ معنوی و ملکوتی آن انجام گیرد؛ در اینجا مال و دنیا خیر است.

۱. «وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (نساء / ۲۵)؛ «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ»؛ (تغابن / ۱۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (جمعه / ۹).

۲. «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»؛ (عادیات / ۸).

در فرهنگ قرآن، آخرت به عنوان مقصد زندگی انسان، نقطه اوج خیر است.<sup>۱</sup> آنچه در آخرت نصیب انسان باتقوا<sup>۲</sup> می شود، نسبت به آنچه در طول زندگی داشته، بالاترین درجه خیر را دارد؛ چنان که ظهور خیر تام برای انسان در آخرت تحقق پیدا می کند: «إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ (نساء / ۵۹).

دار آخرت حیاتی است حقیقی و ثابت و چنین حیاتی تنها نصیب پرهیزکاران می شود. حقیقت و ثبات چنین حیاتی همان خیر است (انعام / ۳۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۷ / ۷)؛ یعنی حیاتی جاودانی و ابدی است (نحل / ۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۳۴).<sup>۳</sup> خیر تام، زندگی سعادت‌مندانه آخرت یا وصول به لقای الهی و زندگی عندالله است (قصص / ۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۶۲).<sup>۴</sup>

## ۵. شر در فرهنگ قرآن

براساس آیات قرآن کریم، انسان همیشه به تنهایی نمی تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد و گاه چیزی را دوست دارد که شر است (بقره / ۲۱۶؛ آل عمران / ۱۸۰). قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت می تواند شرور واقعی را به انسان معرفی کند. در جهان بینی توحیدی قرآن کریم، لعنت و غضب پروردگار، شر است (مائده / ۶۰).<sup>۵</sup> هرآنچه را نتوان به حقیقت الهی انتساب داد، شر است. شر از آن رو شر است که دست خدا در آن دیده

۱. «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا»؛ (نساء / ۷۷)؛ «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَ

لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ (انعام / ۳۲).

۲. «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَرَوُوهَا فَإِنَّ خَيْرَ الرَّزَادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛ (بقره / ۱۹۷)؛ «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ

اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّوَلَّوْا كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ (بقره / ۱۰۳).

۳. «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلِذَٰلِكَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّغَنَمٍ ذَٰلِكَ الْمَثَلِينَ»؛

(نحل / ۳۰)

۴. «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ (قصص / ۶۰).

۵. «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكُمْ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ

أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ»؛ (مائده / ۶۰).

نمی‌شود. به عبارت دیگر، نداشتن آگاهی و معرفت از منشأ حقیقی گرایش‌های فطری یا درونی، باعث تبدیل خیر به شر می‌شود. اگر انسان تحت حاکمیت حس و دنیا قرار بگیرد، خیر را شر جلوه می‌دهد و خارج شدن از مسیر حق، راه را برای تحقق شر هموار می‌سازد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۱/۷۰). خدای متعال سبب مستقل در دفع شر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۳۹۵)؛ یعنی تنها با روی آوردن به خدا و در پناه او بودن است که شر از انسان دور می‌شود. (سوره ناس و سوره فلق).

ویژگی عینی و ملموس شر، انسان‌هایی هستند که در قرآن کریم به «شرالدواب» توصیف می‌شوند؛ کسانی که در زندگی فاقد تعقل و ایمان‌اند.<sup>۱</sup> به تعبیر دیگر، شرارت از اعمال، گفتار و اندیشه انسان‌هایی ناشی می‌شود که بالاترین صفت ممتاز و خاص انسانی را که نیروی تفکر است ندارند (ابن مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۰۱) و در نتیجه، شرط اساسی زندگی سعادت‌مندانه؛ یعنی فعالیت عقلانی را از دست داده‌اند (ارسطو، ۱۳۷۸: ۳۴)، از این رو فخر رازی مهم‌ترین مانع در تحقق شرور را حکمت می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲/۴۰۴)؛ بدین سان که تشخیص منفعت و سودمندی هر چیز به واسطه تعقل صورت می‌گیرد (همان، ۲/۴۲۲) و فقدان تعقل یا به عبارت دیگر جهالت، شر به بار می‌آورد و ارتکاب شر از جهالت ناشی می‌شود (ارسطو، ۱۳۷۸: ۳۰-۳۴).

شر با وسوسه شیطان (ناس / ۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲۲۴، ۱/۷۱) در اعمال انسان به صورت کبر (قمر / ۲۶)،<sup>۲</sup> حسد (فلق / ۵)،<sup>۳</sup> دروغ و تهمت (نور / ۱۱)<sup>۴</sup> ظهور می‌یابد.

۱. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ (انفال / ۲۲)؛ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ (انفال / ۵۵).

۲. «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ»؛ (ناس / ۴).

۳. «سَيَعْلَمُونَ عَذَابَ مَنْ الْكَذَّابِ الْأَثْرِ»؛ (قمر / ۲۶).

۴. «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ (فلق / ۵).

۵. «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِنْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (نور / ۱۱).

وسوسه شیطانی ادراکاتی است که دعوت‌کننده به شر است و در غفلت قلب به ذهن خطور می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۲۹۸). بدترین مرتبه شرب برای انسان غافل و جاهل در قالب جهنم جلوه می‌کند (فرقان / ۳۴)<sup>۱</sup>. برای انسان جاهل، آخرت به عنوان بدترین جایگاهی (ص / ۵۵)<sup>۲</sup> است که شر آن وسیع و گسترده است (انسان / ۷)<sup>۳</sup>.

## ۶. طرح‌واره خیر و شر از منظر قرآن

با توجه به معنای لغوی، خیر چیزی است که به سبب نفع و اثر نیکو، انسان به آن راغب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۴۲) و آن را اختیار و انتخاب می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶ / ۴۱). هر چیزی که وجود دارد از آن نظر که وجود دارد (سبزواری، ۱۴۳۲: ۲ / ۶۸) و پایان‌ناپذیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۹۱) خیر است. انسان فطرتاً طالب خیر است (یونس / ۱۱)<sup>۴</sup> و میل فطری او به حیات و جاودانگی سبب میل او به خیر می‌شود (ابن سینا، ۱۳۷۶: ۴۱۶)؛ بنابراین خیر شامل دو مؤلفه سودمندی و پایداری است که این دو مؤلفه بر مبنای میل فطری عمل کرده و ساختار داخلی مفهوم خیر را تشکیل می‌دهند. بر اساس آنچه جانسون در کتاب بدن در ذهن بیان می‌کند؛ هر رویداد یا حادثه‌ای که به عنوان یک تجربه، به دلیل داشتن مؤلفه‌های سودمندی و پایداری به وسیله فرد، انتخاب و ترجیح داده شود، به عنوان طرح‌واره خیر در ذهن او شکل می‌گیرد. بنابراین خیر در ابتدایی‌ترین مفهوم خود، شامل سودمندی و پایداری است که انسان آن را انتخاب و اختیار می‌کند و هر طرح‌واره مناسب برای خیر، گونه‌ای از این طرح‌واره پیش‌نمونه یا طرح‌واره پایه خواهد بود. طرح‌واره پایه خیر را می‌توان با دو مؤلفه سودمندی و پایداری

۱. «الَّذِينَ يُخْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُوءَ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا»؛ (فرقان / ۳۴).

۲. «هَذَا وَإِنِ لِلظَّالِمِينَ لَشَرٌّ مَّا بَ»؛ (ص / ۵۵).

۳. «يُوفُونَ بِالنَّدْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»؛ (انسان / ۷).

۴. «وَلَوْ يُعْجِلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجَلَهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَزُجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛

(یونس / ۱۱).

بازنمایی کرد و دیگر طرح‌واره‌های خیر را تغییرات یا اصلاحات این طرح‌واره پایه قرار داد. به‌رغم تجلی‌های متفاوت خیر، یک طرح‌واره پایه در همه این تجربه‌ها حضور دارد: انتخاب و برتری دادن، به دلیل پایداری و سودمندی. به عبارت دیگر، تنوعی از تجربیات، به دلیل داشتن مؤلفه‌های اصلی خیر با یک تک طرح‌واره سازمان می‌یابد.

مسئله مهم درباره خیر این است که انسان چه نوع رویداد یا حادثه‌ای را شامل مؤلفه‌های سودمندی و پایداری می‌داند؟ پاسخ این است که این انطباق به نوع تفکر شخص نسبت به هدف و نوع زندگی او بستگی دارد؛ یعنی نوع رویدادهایی که انسان بر این طرح‌واره منطبق می‌کند، از نوع درک او از جهان هستی نشئت می‌گیرد. به عبارت دیگر، طرح‌واره‌های خیر دارای ویژگی‌ها و خصوصیات هستند که بر مبنای بینش انسان نسبت به جهان و زندگی تعیین می‌شوند و نگرش انسان به جهان و زندگی است که مؤلفه‌های سودمندی و پایداری را در رویدادها و مفاهیم تعیین می‌کند.

مواردی که در قرآن کریم تحت عنوان خیر معرفی شده‌اند، بر مبنای جهان بینی توحیدی دارای مؤلفه‌های سودمندی و پایداری برای انسان هستند. طبق آنچه در بخش قبل بیان شد، خداوند و هر مرتبه‌ای از هستی، به اعتبار انتسابی که به خداوند دارد، طرح‌واره‌ای از خیر است.

بررسی موارد دیگری از خیر در قرآن کریم نشان داد که خیر بودن آن موارد به ارتباطشان با خداوند بستگی دارد. همچنین ربوبیت پروردگار در آیات بررسی شده به روشن‌ترین و واضح‌ترین شکل، احتمال بر دو مؤلفه پایداری و سودمندی را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان ظهور ربوبیت را به عنوان طرح‌واره پایه فرض کرد؛ طرح‌واره‌ای که آن را در دیگر طرح‌واره‌ها؛ مانند: وحی، نبوت (بقره / ۱۰۵)، حکمت (بقره / ۲۶۹) و آخرت (انعام / ۳۲)، می‌توان به عنوان شکل‌های مختلفی از طرح‌واره خیر، به دست آورد.

بنابراین طرح‌واره خیر از دیدگاه قرآن «جهان دارای ربوبیت واحد الهی» است که دارای دو مؤلفه سودمندی و پایداری است. همچنین طبق آیات قرآن، مواردی مثل اعمال عبادی (جمعه / ۹)، ایمان (نساء / ۵۹) و حتی مال (عادیات / ۸) به عنوان خیر معرفی



شده‌اند که با توجه به طرح‌واره پیش‌نمونه، در صورتی می‌توان این موارد را جزء طرح‌واره خیر در نظر گرفت که بتوانند شناخت و ادراک ربوبیت را، به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی این طرح‌واره، در ذهن انسان شکل دهند. به عبارت دیگر طرح‌واره خیر، از نتیجه این اعمال شکل نمی‌گیرد؛ بلکه طرح‌واره خیر بودن این اعمال نتیجه است.

بنابراین آنچه ظاهراً به صورت حالت‌های متفاوت و گوناگونی از خیر در قرآن کریم دیده می‌شود، تجلی‌های متفاوتی از طرح‌واره خیر است که یک تک طرح‌واره در همه موارد مختلف حضور دارد و آن درک ظهور ربوبیت در آن‌هاست. به عبارت دیگر، علت اینکه موارد یادشده در قرآن کریم، تحت عنوان طرح‌واره خیر نام‌گذاری می‌شود، این است که همه موارد به‌رغم ویژگی‌های متفاوت، از لحاظ ساختار داخلی به هم مربوط می‌شوند.

شربه معنای سوء (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶/۲۱۶) و نقیض خیر (جوهری، ۱۳۷۶: ۲/۶۹۵) است که به علت اثر بد و فسادانگیز، تمایلی به انتخاب و اختیار آن نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶/۴۲). شرب‌انتشار و پراکندگی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۱۸۰)؛ برای اساس، شرکثرت به‌هم‌ریخته و ناموزونی است که فسادانگیز بوده و انسان از آن روی‌گردان است و آن را انتخاب نمی‌کند.

از آنجا که ساختار داخلی شر، شامل دو مؤلفه پراکندگی و فساد است، انسان بر مبنای میل فطری آن را انتخاب نکرده و نمی‌پذیرد. دو مؤلفه پراکندگی و فساد می‌تواند مبنای تشکیل طرح‌واره شر در ذهن انسان قرار گرفته و رویدادها و مفاهیم مختلف با داشتن مؤلفه‌های پراکندگی و فساد، تحت طرح‌واره شر سازمان یابد و وقتی ویژگی‌ها و خصوصیات دو مؤلفه در تجربیات انسان تغییر یابد، انواع جدیدی از طرح‌واره شر پدید آید.

چنان‌که در بحث «شر در فرهنگ قرآن» بررسی شد، جهان‌بینی توحیدی قرآن کریم مبنای شرور بودن رویدادها و مفاهیم را غضب الهی می‌داند و شرور بودن امور به آن علت است که نمی‌توان آن‌ها را به حقیقت الهی انتساب داد؛ به گونه‌ای که عدم انتساب به حق در آیات بررسی شده به روشن‌ترین شکل، اشتغال بردو مؤلفه پراکندگی و فساد را نشان می‌دهد. برای اساس، می‌توان «عدم انتساب امور به حق» را به‌عنوان طرح‌واره پایه

فرض کرد؛ طرح‌واره پایه‌ای که دارای دو مؤلفه پراکندگی و فساد است و طرح‌واره‌های دیگری مثل تعقل نورزیدن (بقره / ۲۱۶)، نداشتن ایمان (نساء / ۵۹)، وسوسه شیطان (ناس / ۴) و آتش جهنم (فرقان / ۳۴) شکل‌های مختلفی از طرح‌واره شر است که طرح‌واره پایه، عدم انتساب به حق را می‌توان در آن‌ها به دست آورد.

طبق آیات قرآن، مواردی مثل کبر (قمر / ۲۶)، حسد (فلق / ۵) و تهمت (نور / ۱۱) نیز به عنوان شر معرفی شده است که با توجه به طرح‌واره پایه در صورتی می‌توان این موارد را جزء طرح‌واره شر در نظر گرفت که بتواند غفلت از ربوبیت الهی را به عنوان مهم‌ترین ویژگی این طرح‌واره در ذهن انسان شکل دهد.

در طرح‌واره‌های قرآن کریم، این نسبت میان هر امری با هدف خداوند در خلقت است که خیر را از شر تمیز می‌دهد. خیر قرآنی، نفع کلی و صلاح عمومی است؛ اگرچه از این امر زیان جزئی و گاهی رنج و سختی‌هایی عارض می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۷۹: ۷ / ۷۷). با این بینش، مرض‌ها، سختی‌ها و رنج‌ها به عنوان تبعات عالم ناسوت از جلوه طرح‌واره شر خارج شده و در مسیر کسب خیر قرار می‌گیرد؛ گاهی رویدادی تلخ که به ظاهر شر است، می‌تواند انسان را از غفلت رهانیده و نسبت به خیر آگاه کند (بقره / ۲۱۶).

از دیدگاه قرآن کریم، درد و رنج، بیماری و حوادث طبیعی از ویژگی‌های طرح‌واره شر به شمار نمی‌آید. در واقع، این امور آنگاه شر هستند که وقوع آن‌ها سبب غفلت انسان از اصل خویش شود. شرّ حقیقی دوری انسان از کمال و سعادت اخروی خویش است و هر آنچه انسان را از این فراق غافل نگه دارد یا به آن دامن زند یا مانع وصال معشوق شود، در شمار شر قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

- شکل‌گیری طرح‌واره‌های نادرست در ذهن مردم در برخورد با حوادث و اتفاقات ناگوار، سبب خطا در درک مصادیق مسئله خیر و شر در زندگی شده است. به عبارت دیگر، دلیل عدم تطابق بین نظام احسن و وجود رنج‌ها و سختی‌ها در زندگی، از عدم درک

صحیح مصادیق خیر و شر ناشی شده است؛  
 - مؤلفه‌های طرح‌واره خیر و شر نشان می‌دهد که خیر یا شر بودن امور، مطابق با میل و طلب فطری انسان بنا شده است؛  
 - ویژگی طرح‌واره خیر در قرآن کریم، ربوبیت پروردگار است و ظهور این ربوبیت به طور عینی شامل: وحی، رسالت، حکمت، تقوا و سعادت‌مندی آخرت است؛  
 - خیر و شر بر مدار اختیار انسان می‌چرخد؛ چنانچه انسان از میان همه آنچه در اختیار دارد، ربط خود به اصل وجود را انتخاب کند، خیر است و چنانچه به چیزی که هست، پشت کند و به آنچه نیست، روی آورد، شر است؛  
 - نداشتن آگاهی و معرفت به منشأ حقیقی تحولات هستی و تمایلات فطری انسان، خیر را به شر تبدیل می‌کند و شر از آن رو شر است که انسان خیر را نمی‌شناسد یا به دنبال آن نیست؛  
 - اگر در ذهن انسان، مقوله‌های شناخت از طرح‌واره خیر و شر بر مبنای فرهنگ قرآنی شکل بگیرد، به علت عبور درک از فیلتر طرح‌واره، انسان می‌تواند خیریت خدا، وحی، شریعت و آخرت و در نتیجه احسنیت نظام هستی را دریابد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، *التعلیقات*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، *الشفاء (الهیات)*، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن فارس، احمد، *مقایس اللغة*، چاپ اول، انتشارات علوم اسلامی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن مسکویه، ابوعلی، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، چاپ ششم، انتشارات بیدار، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۶. ارسطو، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمد حسن لطفی، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصاحح فی اللغة*، تحقیق احمد عبدالغفور، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۸. سبزواری، ملاحادی، *شرح المنظومه*، با تعلیقه آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، مؤسسه

- التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۳۲ق.
۹. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح و مقدمه هانری کرین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم-الدار الشامیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۱. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعه*، تعلیق، ملاهادی سبزواری و سید محمد حسین طباطبایی، مصطفوی، قم، ۱۳۷۹ش.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. فارابی، ابونصر، *فصول منتزعه*، تحقیق، مقدمه و تعلیق جعفر آل یاسین، دار المناهل، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۱۷. یوسفی، رحیم و دیگران، «*اثر بخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقای رضایت زناشویی*»، *مجله روان‌شناسی بالینی*، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۹ش.
18. James, I. A., "Schema Therapy: The next generation, but should it carry a health warning?" *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 2001.
19. Johnson, M., *The Body in The Mind, The Bodily Basis of Meaning, Reason and Imagination*, Chicago: Chicago University Press, 1987.
20. Young, J. E et al, *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*, New York: Guilford Press, 2003.
21. Young, J. E., *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema-Focused Approach*, Professional Resource Press/Professional Resource Exchange, 1994.